

«سجده بر خاک»

در پرتو کتاب و سنت

○ جعفر سبحانی

مقدمه

اسلام، عقیده و شریعت است و عقیده، ایمان به خدا و روز قیامت و پیامبران اوست و شریعت هم احکام و دستورهای الهی است که زندگی بهتر را برای بشر تأمین می‌کند و سعادت دنیوی و اخروی را برای او به ارمغان می‌آورد.

شریعت اسلامی [در مقایسه با دیگر شرایع آسمانی] از این امتیاز برخوردار است که گستردگی و شمول دارد و برای همه مشکلاتی که انسان در عرصه‌های مختلف زندگی با آن روبه رو می‌شود، راه‌حلهایی قرار داده است. خداوند سبحان می‌فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ [امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را برای شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین شما پذیرفتم].

امامسائلی فقهی وجود دارد که دیدگاه فقها به دلیل اختلافی که در روایات نقل شده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارند، متفاوت شده است. از آنجا که حقیقت، زاده بحث است، سعی کردیم که آن مسائل را در این سلسله از مباحث مطرح کنیم. باشد که طرح این گونه مباحث، وسیله ای برای وحدت کلمه و نزدیکی انظار در این باره باشد؛ چرا که این گونه اختلافات، اختلافاتی در جوهر و اصول دین نیست تا موجب دشمنی و کینه نسبت به همدیگر شود، بلکه اختلافاتی است در آنچه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است و در مقابل مسائل فراوانی که مورد اتفاق همه مذاهب اسلامی است، ناچیز و اندک است. راهنمای ما در این راه، این کلام خداوند است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...»؛ [و همگی به ریسمان الهی چنگ زدید و پراکنده نشدید و نعمت خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دلهای شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید ...]

سجده بر زمین

شاید یکی از روشن ترین مظاهر بندگی و تسلیم و فروتنی مخلوق در برابر خداوند، سجده باشد. مؤمن با سجده، بر عبودیت و بندگی خویش نسبت به خداوند تأکید می‌ورزد. تقدیر خداوند، عزآسمه، بر این تعلق گرفته است که بنده، خود را در مقابل او چنین کوچک شمارد تا لطف و احسانش را بر او جاری سازد. از این رو در برخی روایات آمده است: «نزدیک ترین حالات بنده به خداوند، حال سجده اوست.» و از آنجا که در میان عبادتها، نماز، معراج مؤمن است و با این عبادت است که مؤمن از کافر ممتاز می‌گردد و سجده، یکی از ارکان آن محسوب می‌شود، چیزی آشکارتر از

سجده بر خاک، شن، سنگ و ریگ، نشان‌دهنده این فروتنی و تذلل نیست؛ زیرا فروتنی و تذللی که در سجده بر این امور وجود دارد، به مراتب، آشکارتر و روشن‌تر از تذللی است که در سجده بر حصیر و بوریا وجود دارد؛ چه رسد به سجده بر لباسهای فاخر و فرشهای پرپشت و طلا و نقره. البته سجده بر همه این موارد سجده است، اما عبودیت و بندگی، در سجده بر خاک و امثال آن، از سجده بر هر چیز دیگری آشکارتر است.

امامیه در سفر و غیر سفر، به سجده بر زمین ملتزم و مقیدند و سجده بر غیر زمین را جایز نمی‌دانند؛ مگر بر چیزی که از زمین روئیده شده باشد؛ البته مشروط بر اینکه خوردنی و پوشیدنی نباشد. به دلیل روایات متواتری که از پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام و اصحاب او رسیده است، جایز نمی‌دانند که به هنگام نماز و در حال صحت و سلامتی، بر غیر زمین و روئیدنیهای آن سجده شود. بعداً (در خلال بحث) روشن خواهد شد که روش اصحاب پیامبر ﷺ التزام به سجده بر زمین و روئیدنیهای آن بوده است و عدول از این سنت در زمانهای بعد روی داده است.

اختلاف نظر فقها در شرایط محل سجده

مسلمانان بر وجوب دو بار سجده در هر رکعت از رکعتهای نماز، اتفاق نظر دارند و در اینکه این سجده در مقابل چه کسی باید باشد هم اختلافی ندارند؛ چرا که این خدای سبحان است که آنچه در آسمانها و زمین است، از روی اطاعت یا اکراه، او را سجده می‌کنند^۱ و این کلام خداوند، شعار هر مسلمان است که: «... لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَ لَا لِلْقَمَرِ وَ اسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ...»^۲؛ [خورشید و ماه را سجده نکنید، بلکه خدای را که آنها را آفرید، سجده کنید]

اختلاف مسلمانان تنها در شرایط محل سجده است؛ یعنی جایی که سجده کننده،

۱. اشاره به کلام خداوند است که می‌فرماید: «وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ

ظِلَالَهُمْ بِالْغَدُوِّ وَالْأَصَالِ»

۲. فصلت / ۳۷

پیشانی‌اش را بر روی آن می‌گذارد. شیعه معتقد است که سجده باید بر زمین یا روئیدنی‌های غیر خوراکی و پوشاکی، مانند حصیر و بوریا باشد، اما دیگر مذاهب اسلامی در این مسئله با شیعه مخالفند. اینک آرای فقها در این زمینه:

شیخ طوسی^۱ در بیان آرای فقها می‌گوید:

در حال اختیار، سجده بر زمین یا روئیدنی‌های غیر خوراکی و غیر پوشاکی، از قبیل پنبه و کتان، جایز نیست، اما فقهای اهل سنت مخالف این نظر هستند، زیرا به اعتقاد آنان سجده بر پنبه، کتان، مو، پشم و امثال اینها جایز است...

شیخ طوسی در ادامه می‌فرماید:

سجده بر چیزی که دارای پنبه یا کتان باشد، مانند سجده بر پیچ‌عمامه و گوشهٔ عبا و آستین پیراهن، جایز نیست. شافعی هم بر این عقیده است و از علی رضی الله عنه، ابن عمر، عباده بن صامت، مالک و احمد بن حنبل هم چنین روایت شده است. ابوحنیفه گفته است: «اگر کسی بر چیزی سجده کند که دارای پنبه باشد، مانند لباسی که بر تن دارد کفایت می‌کند و چنانچه بر چیزی سجده کند که از اوجدان نیست، مثل اینکه دست خود را بر روی زمین پهن و بر آن سجده کند، کفایت می‌کند اما مکروه است». این مطلب از حسن بصری روایت شده است.^۲

علامه حلی^۳ در بیان آرای فقها دربارهٔ محل سجده می‌فرماید:

از نظر همهٔ علمای شیعه، سجده بر غیر زمین و بر چیزی که از زمین نروید؛ مانند پوست و پشم، جایز نیست، اما علمای اهل سنت بر جواز سجده بر غیر زمین اتفاق نظر دارند.^۴

شیعیان در این رأی و نظر از امامان معصوم رضی الله عنهم که بر طبق حدیث ثقلین، عدل و هم

۱. یکی از علمای سرشناس شیعه در قرن پنجم هجری و دارای آثار متعدد که در سال ۳۸۵ هجری متولد شد و در سال ۴۶۰ هجری وفات کرد. او یکی از شاگردان شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳) و سید مرتضی (۳۵۵-۴۳۶ هـ) رضی الله عنهم بوده است.

۲. الخلاف، ج ۱، ص ۳۵۷-۳۵۸، مسئله ۱۱۲-۱۱۳، کتاب الصلاة

۳. حسن بن یوسف مطهر حلی (۶۴۸-۷۲۶ هـ)، رهبر شیعه در قرن هفتم و هشتم که روزگار، مانند او را جز در زمانهای خاصی ارزانی نکرده است.

۴. التذکره، ج ۲، ص ۴۳۴، مسئله ۱۰۰.

ردیف قرآن به شمار آمده‌اند، پیروی کرده‌اند. اینک ما در این زمینه به ذکر چند روایت از آنها بسنده می‌کنیم:

شیخ صدوق با سند خویش از هشام بن حکم روایت کرده است که به امام صادق علیه السلام عرض می‌کند: «أخبرني عمّا يجوز السجود عليه و عمّا لا يجوز» مرا از چیزهایی که سجده بر آنها جایز است و چیزهایی که سجده بر آنها جایز نیست، خبر ده. امام علیه السلام می‌فرماید: «السجود لا يجوز إلا على الأرض أو على ما أنبتت الأرض إلا ما أكل أو لبس»؛ یعنی: سجده، جز بر زمین و چیزهای غیر خوراکی و پوشاکی که از زمین می‌روید، جایز نیست.

هشام بن حکم سؤال می‌کند: «جُعِلَتْ فِدَاكَ ما العلة في ذلك؟»؛ فدایت شوم، علت این امر چیست؟ امام علیه السلام می‌فرماید:

لأنَّ السجود خضوعٌ لله عزَّ وجلَّ فلا ينبغي أن يكون على ما يؤكل ويلبس، لأنَّ إنباء الدنيا عبوداً ما يأكلون ويلبسون، والساجد في سجوده، في عبادة الله عزَّ وجلَّ فلا ينبغي أن يضع جبهته في سجوده على معبود أبناء الدنيا الذين اغتروا بغورها.^۱
زیرا سجده، یک نوع خضوع در مقابل خداوند عز و جل است. پس سزاوار نیست که بر خوراکی و پوشیدنی انجام شود؛ زیرا دنیا طلبان، بنده خور دنیاها و پوشیدنیها هستند، در حالی که کسی که سجده می‌کند، در حین سجده، مشغول عبادت خداوند، عز و جل است. بنابراین، شایسته نیست که پیشانی اش را هنگام سجده بر چیزی نهد که مورد پرستش دنیا طلبانی است که فریب امور بیهوده دنیا را خورده‌اند.

امام صادق علیه السلام فرموده است:

وكل شيء يكون غذاء الإنسان في مطعمه أو مشربه أو ملبسه، فلا تجوز الصلاة عليه، ولا السجود إلا ما كان من نبات الأرض من غير ثمر، قبل أن يصير مغزولاً، فإذا صار غزلاً فلا تجوز الصلاة عليه إلا في حال الضرورة؛^۲

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، باب اول از ابواب «ما يسجد عليه»، حدیث ۱. در این باب، روایاتی با همین مضمون وجود دارد و مضمون تمامی آنها این است که هدف از سجده که همان اظهار ذلّت در مقابل خداوند است، با سجده بر غیر زمین و چیزهای خوراکی و پوشاکی روییده از آن، حاصل نمی‌شود.
۲. وسائل الشیعه، ج ۳، باب اول از ابواب «ما يسجد عليه»، حدیث ۱۱.

و هر چیزی که غذای انسان است، اعم از خوراکی، نوشیدنی و پوشیدنی، نماز و سجده بر آن صحیح نیست؛ مگر آنکه روئیدنی از زمین و بی میوه باشد و ریسیده نشده باشد؛ و اگر ریسیده باشد، نماز بر آن جایز نیست، مگر در حال ضرورت.

بنابراین، با توجه به روایات یاد شده، اگر شیعیان به سجده کردن بر زمین و گیاهان غیر خوراکی و غیر پوشاکی ملتزمند، سزاوار ملامت نیستند؛ چراکه آنها در این مسئله به امامان ائمه اقتدا می‌کنند.

علاوه بر این، روایاتی در این باره از اهل سنت نقل شده است که دیدگاه شیعه را تقویت می‌کند و به زودی به هنگام نقل این روایات، روشن خواهد شد که سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نماز، نخست سجده بر زمین بوده، آنگاه سجده بر تنها حصیر و بوریا نیز رخصت داده شده و پس از آن، ترخیص سومی نرسیده، بلکه می‌توان گفت همچنان که کاملاً بررسی خواهد شد، روایاتی وجود دارد که سجده بر غیر موارد مزبور را ممنوع کرده است.

محدث نوری در مستدرک از دعائم الاسلام از امام صادق علیه السلام از پدرانش روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّ الْأَرْضَ بِكُمْ بَرَّةٌ، تَيَّمُّونَ مِنْهَا، وَتَصَلُّونَ عَلَيْهَا فِي (الْحَيَاةِ الدُّنْيَا) وَهِيَ لَكُمْ كِفَاةٌ فِي الْمَمَاتِ، وَ ذَلِكَ مِنْ نِعْمَةِ اللَّهِ، لَهُ الْحَمْدُ، فَأَفْضَلُ مَا يَسْجُدُ عَلَيْهَا الْمُصَلِّي الْأَرْضَ النَّقِيَّةَ؛^۱

زمین برای شما نیکوکار است، با آن تیمم می‌کنید و در زندگی (دنیا) بر روی آن نماز می‌گزارید و در مرگ شمارا بس است و این از نعمتهای خداوند است که حمد و ستایش مخصوص اوست. بنابراین، برترین چیزی که نماز گزار می‌تواند بر آن سجده کند، زمین پاک است.

محدث نوری همچنین از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

يَنْبَغِي لِلْمُصَلِّي أَنْ يَبَاشِرَ بِجِبْهَتِهِ الْأَرْضَ وَيَعْفُرُ وَجْهَهُ فِي التُّرَابِ، لِأَنَّهُ مِنَ التَّدَلُّلِ لِلَّهِ؛^۲

۱. مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۱۴، باب دهم از ابواب «ما يسجد عليه»، حدیث ۱.

۲. همان، حدیث ۲.

شایسته است که نمازگزار، پیشانی اش را مستقیماً بر زمین بگذارد و صورت را [بنا گذاشتن روی زمین] خاک آلود کند؛ زیرا این کار؛ نوعی اظهار ذلت در مقابل خداوند است .

شعرانی [در ذیل حدیث فوق] می گوید :

مقصود از [تعفیر و به خاک مالیدن صورت]، اظهار خضوع و فروتنی با سراسر است تا زمین را با صورت که شریف ترین عضو بدن است لمس کند؛ خواه این لمس، با پیشانی اش باشد یا باینی؛ و چه بسا قراردادن پیشانی باینی بر زمین، نزدگروهی از فقها اولویت داشته باشد؛ زیرا ریشه کلمه «أنف» که به معنای بینی است، از «أنفه» و «کبریا» به معنای بزرگی گرفته شده؛ از این رو اگر نمازگزار آنرا بر زمین گذارد، گویی در برابر خداوند، از بزرگی و کبریایی که نمازگزار دارد، خارج شده است؛ زیرا او رود در محضر خداوند بر کسی که در او کوچک ترین ذره ای از ریا وجود داشته باشد، حرام است؛ چراکه محضر الهی در حقیقت، بهشت اکبر است و رسول خدا فرموده است: «کسی که کوچکترین ذره از کبر در وجودش باشد، وارد بهشت نمی شود»^۱.

امام مغربی مالکی رودانی طی حدیث مرفوعه ای از ابن عباس نقل می کند: «من لم یلزم أنفه مع جبهته بالأرض أو اسجد لم تجز صلاته»^۲؛ کسی که در سجده، بینی اش همراه با پیشانی به زمین نرسد، نمازش کفایت نمی کند .

[در این باره ذکر این نکته ضروری است که] همچنان که اعمال عبادی در اصل، توفیقی است، شرایط و احکام آنها نیز از اموری است که باید از طرف مفسر شریعت و مبلّغ آن، یعنی رسول خدا ﷺ تبیین و روشن شود؛ زیرا او است که طبق تصریح قرآن کریم، الگو و تبیین کننده قرآن عزیز است و بر تمامی مسلمانان واجب است که احکام دین و جزئیات شریعتشان را از او فرا گیرند .

۱ . عبدالوهاب بن أحمد بن علی الأنصاری (معروف به شعرانی از علمای برجسته قرن دهم)، الیواقیت و الجواهر فی عقائد الأکابر، ج ۱، ص ۱۶۴، چاپ اول .

۲ . محمد بن محمد بن سلیمان مغربی (متوف ۱۰۴۹ هـ)، جمع الفوائد من جامع الاصول و مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۲۱۴، شماره ۱۵۱۵ .

خداوند سبحان فرموده است: « لَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا »^۱؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا ﷺ سرمشق نیکویی بود برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند .

« وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا »^۲؛ آنچه رسول خدا برای شما آورده بگیرید و از آنچه نهی کرده ، خودداری کنید .

فرق بین « مسجود له » و « مسجود علیه »

گاهی تصور می شود که التزام واعتقاد به سجده بر زمین یا روئیدنیهای از زمین، بدعت است ؛ به خیال اینکه تربتی که بر آن سجده می شود ، بت است . این افراد، کسانی هستند که بین « مسجود له » (یعنی کسی که برای او سجده می شود) و « مسجود علیه » (یعنی چیزی که بر آن سجده می شود) تفاوتی نمی گذارند و چنین می پندارند که سنگ یا تربتی که در مقابل نمازگزار گذاشته شده است ، بتی است که نمازگزار آن را با قرار دادن پیشانی بر رویش می پرستد ، اما شیعه چه تقصیری دارد که درک مخالفانش چنین ضعیف است که بین این دو فرقی نمی گذارند و موحد را با مشرک ، به خاطر اشتراک در ظاهر ، مقایسه می کنند ؛ و به صورت و ظاهر اشیا اهمیّت می دهند ، در حالی که ملاک باطن امور است . بنابراین ، برای بت پرست ، بت ، معبود و « مسجود له » است و آن را در مقابلش می گذارد و برای او رکوع و سجود می کند ، اما موحد که می خواهد نهایت عبودیت خویش را اظهار کند ، برای خداوند سجود و اظهار تذلل و فروتنی می کند. موحد، پیشانی اش را بر روی خاک ، سنگ ، شن و ریگ می گذارد تا به این وسیله ، در مقام ارزیابی ، برابری اش را با این امور اظهار کند و بگوید «خاک کجا و رب الارباب کجا؟» آری ، سجده کننده برخاک ، غیر از پرستنده آن است. او می خواهد با سجده برخاک ،

۱. احزاب / ۲۱ .

۲. حشر / ۷ .

در برابر خداوند تذلل و فروتنی کند و کسی که خلاف این را توهم کند، مراتب نادانی خود را نشان داده است. او با این کارش موجب گرفتاری همه نمازگزاران و محکوم شدن آنها به شرک می‌شود؛ زیرا کسی که بر فرش و پارچه و غیر اینها نماز می‌خواند نیز باید طبق این دیدگاه، پرستنده آنها باشد و این خیلی عجیب است.

آمدی از امام علی علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «السجود الجسمانی: وضع عتائق الوجوه علی التراب»^۱؛ سجود جسمانی عبارت است از قراردادن مواضع لطیف صورت بر روی خاک.

«سجده» در لغت

بدون شک، سجده از واجبات نماز است. هر دو فرقه شیعه و اهل سنت از ابن عباس (رضی الله عنه) روایت کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «أمرت أن اسجد علی سبعة اعظم: علی الجبهة والیدین والركبتین و اطراف القدمین»^۲؛ مأمور شده‌ام که بر هفت استخوان سجده کنم: بر پیشانی، دو دست، دو زانو و نوک دو پا.

با این حال، حقیقت سجده و واقعیت و مقوم آن، قرار دادن پیشانی بر زمین است و موارد شش‌گانه دیگر، بیشتر شبیه شرایط سجده است [تا اینکه در حقیقت آن نقش داشته باشد]. دلیل این مطلب، کلام صاحبان کتب لغت است؛ زیرا آنان در تعریف سجده، جز قرار دادن پیشانی بر زمین، چیز دیگری را ذکر نکرده‌اند؛ بنابراین، گویی دیگر موارد، از شرایط سجده است که شارع آن را واجب و به حقیقت لغوی و عرفی سجده، افزوده است.

این منظوره نقل از ابن سیده گفته است: «سجد یسجد، سجوداً یعنی پیشانی‌اش را بر زمین قرار داد. اسم فاعل آن ساجد و جمع ساجد، سجود و سجد است»^۳.

۱. غررالحکم و دررالحکم، ج ۱، ص ۱۰۷، شماره ۲۲۳۴.

۲. این روایت را مسلم و بخاری نقل کرده‌اند. ر. ک: صحیح بخاری، ج ۱، ص ۲۰۶؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۵۴.

۳. لسان العرب، ج ۶، ماده «سجد»

ابن اثیر گفته است: «سجود نماز عبارت است از قراردادن پیشانی بر زمین و هیچ خضوعی بزرگتر از سجده نیست»^۱.

در تاج العروس من جواهر القاموس آمده است:

سجده یعنی خضوع، و سجود نماز از همین ریشه و به معنای قراردادن پیشانی بر زمین است و خضوعی بزرگتر از سجده نیست. اسم آن «سجده» به کسر سین است.

این سخنان و نظایر آن از صاحبان کتابهای لغت، گویای این حقیقت است که حقیقت و مقوم سجده، همان قرار دادن پیشانی بر زمین است و چنانچه پیامبر ﷺ سجده بر هفت استخوان را واجب نکرده بود، برای سجده، گذاشتن پیشانی بر زمین کفایت می‌کرد، اما علاوه بر گذاشتن پیشانی بر زمین، امور دیگری هم برای سجده اضافه کرده که موجب شده است سجده بر هفت عضو واجب باشد.

با توجه به مطالب فوق، تعجبی نیست که از بیان اعضای هفت‌گانه، گذاشتن پیشانی بر زمین، دارای شرایط خاصی باشد و آن اینکه «مسجود علیه» یعنی چیزی که بر آن سجده می‌شود، باید زمین یا روئیدنی از زمین باشد و سجده بر غیر این موارد، جایز نباشد.

علت لزوم مکشوف بودن پیشانی در سجده

شاهد اینکه از میان اعضای هفت‌گانه، پیشانی شرایط خاصی دارد، این است که اکثر فقهای اهل سنت معتقدند که تنها در سجده است که پیشانی باید مکشوف باشد [و یا چیزی پوشیده نشده باشد]. بنابراین، اگر سایر اعضا مانند پیشانی، نقشی در حقیقت سجده داشتند، باید حکم آن اعضا هم مانند پیشانی باشد؛ در حالی که واقعیت، خلاف این است [برای روشن شدن مطلب، آرای فقهای اهل سنت را در این زمینه نقل می‌کنیم]:

۱. در مختصر ابی القاسم خرقی و شرح آن آمده است: «بنابریکی از این دو روایت،

۱. النهاية، ج ۲، ماده «سجّد»

۲. تاج العروس، ج ۸، ماده «سجّد»

واجب نیست که نمازگزار، غیر از پیشانی، سایر اعضا را بدون حایل، بر روی محل نماز (سجاده) بگذارد» و در روایتی دیگر آمده است: واجب است نمازگزار، پیشانی‌اش را مستقیماً و بدون حایل، بر روی محل نماز بگذارد. این روایت را ابوالخطاب نقل کرده و اثرم روایت کرده است: از امام صادق علیه السلام در باره سجده بر پیچ عمامه سؤال کردم که آیا درست است یا نه؟ امام علیه السلام فرمودند: بر پیچ عمامه سجده نمی‌شود، بلکه باید آن قسمت از عمامه که جلوی پیشانی را گرفته، برداشته شود، و این مذهب شافعی است.

خباب روایت کرده است که از شدت گرمایی که بر پیشانی و دستان ما [به هنگام گذاشتن پیشانی روی زمین] می‌رسید، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت کردیم، اما به شکایت ما توجهی نکرد. تا آنجا که می‌گوید: از علی علیه السلام نقل است که فرموده است: هرگاه هریک از شما نماز می‌خواند، باید عمامه را از روی پیشانی کنار بزند. « این حدیث را بیهقی نقل کرده است.^۱

۲. در الوجیز آمده است: در سجود، واجب است پیشانی آشکار و پیدا باشد؛ زیرا از خباب روایت شده است که از شدت گرمایی که بر پیشانی و دستان ما می‌رسید، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت کردیم، اما او به شکایت ما توجهی نکرد.

در شرح این حدیث گفته است: لازم نیست همه پیشانی پیدا و مکشوف باشد، بلکه به مقداری که پیشانی بر آن صدق کند، کافی است؛ همچنان که درباره مقداری که باید روی زمین قرار می‌گیرد نیز چنین است. واجب است آن مقداری از پیشانی که بر روی زمین قرار می‌گیرد، پیدا و مکشوف باشد. بنابراین، اگر مقداری از پیشانی را آشکار کند، ولی موضع دیگری را بر زمین گذارد، کافی نیست. کشف پیشانی، موقعی حاصل می‌شود که بین پیشانی و محل سجده، حایلی متصل به پیشانی که با برداشتن پیشانی، آن نیز برداشته شود، وجود نداشته باشد.

بنابراین، اگر بر گوشه‌ای از آن حایل یا پیچی از عمامه‌اش سجده کند، کفایت نمی‌کند؛ زیرا پیشانی‌اش را مستقیماً بر محل سجده نگذاشته است.

۱. الشرح الكبير (شرح وجیز اثر خرقی)، ج ۱، ص ۵۵۷-۵۵۸ که در حاشیه المغنی است

دلیل ما حدیث خباب است . همچنین روایت شده است که پیامبر ﷺ فرمود :
 « پیشانی‌ات را به زمین بچسبان »^۱

۳ . ابن رشد گفته است : فقها اختلاف نظر دارند که آیا یکی از شرایط سجود، این است که دست سجده کننده باید [هنگام سجده] مکشوف و آشکار باشد و مستقیماً بر زمین قرار گیرد [و مثلاً با عبا پوشیده نشده باشد] یا اینکه چنین شرطی دربارهٔ دستان وجود ندارد؟ مالک گفته است آن ، شرط سجود است ، اما تصور می‌کنم شرط تمامیت آن باشد.^۲ گروهی نیز گفته‌اند آن ، از شرایط سجود نیست .

اختلاف نظر فقها در سجده بر لایه‌های عمامه نیز از همین باب است. در این زمینه سه نظریه ابراز شده است : گروهی ممنوع می‌دانند و گروهی دیگر جایز و گروهی هم بین سجده بر لایه‌های کم ولایه‌های زیاد عمامه ، فرق گذاشته‌اند . گروهی هم بین اینکه بخشی از پیشانی سجده کننده به زمین برسد و یا هیچ بخشی از پیشانی اش به زمین نرسد، تفاوت قائل شده‌اند .^۳

۴ . قفال گفته است : اگر به خاطر مرضی ، دستاری بر پیشانی نمازگزار بسته شده باشد و با آن دستار سجده کند ، کفایت می‌کند و لزومی به اعادهٔ نماز نیست . فقهای ماقول دیگری را نیز نقل کرده‌اند که مطابق آن ، در صورت مسح بر جبیره ، اعاده واجب است .^۴

۵ . در کتاب **الفقه علی المذاهب الاربعه** آمده است: شافعیه معتقدند که سجده بر پیچ عمامه یا دستار ، در صورتی که پیشانی را پوشانده باشد ، اشکال دارد . بنابراین ، چنانچه نمازگزار از روی علم و عمد ، بر محل آشکار و مکشوف پیشانی اش سجده نکند، نمازش باطل است ؛ مگر آنکه عذری داشته باشد ؛ مثل اینکه جراحی بر پیشانی اش باشد و باز کردن دستار ، مشقت زیادی داشته باشد که در این صورت، سجده با دستار ، صحیح است.^۵

۱ . العزیز ، شرح « الوجیز » (معروف به الشرح الکبیر) ج ۱ ، ص ۵۲۱ .

۲ . معنایش این است که شرط صحت سجده نیست ، بلکه شرط کمال آن است .

۳ . بدایة المجهتد ، ج ۱ ، ص ۱۳۹ .

۴ . حلیة العلماء فی معرفة مذهب الفقهاء ، ص ۱۲۲ .

۵ . الفقه علی المذاهب الاربعه ، ج ۱ ، ص ۲۳۳ .

ظاهراً حکمت لزوم کشف پیشانی به هنگام سجده این است که پیشانی به خاک بچسبد تا نمازگزار به نهایت خضوع و عبودیت برسد. اما این فقها کشف پیشانی را به عدم وجود حایلی که مانع از سجود شود، مانند پیچ عمامه و لایه‌های آن، منحصر کرده‌اند و به رغم آن حکمت، سجده بر فرش و سجاده، جایز شمرده‌اند و این، موجب بطلان حکمت کشف پیشانی به هنگام سجده و فایده آن می‌شود. بدین سان، این سؤال متوجه آنان است که: اگر سجده بر فرش و سجاده جایز است، پس چه فرقی بین سجده بر فرش یا سجاده با سجده بر پیچ عمامه یا دستاری که دور سر بسته شده است، وجود دارد؟

تفاوت قائل شدن بین دو امر، امر عجیبی است؛ زیرا دستار یا عمامه، مانند فرش و سجاده، بافته شده از نخ است و اگر به زعم آنان، سجده، هم با گذاشتن پیشانی بر عمامه یا دستار متحقق می‌شود و هم با گذاشتن پیشانی بر فرش یا سجاده، در این صورت، همراه بودن عمامه یا دستار با نمازگزار و همراه نبودن فرش یا سجاده با نمازگزار، نمی‌تواند محمولی برای تفاوت قائل شدن بین این دو باشد؛ به طوری که سجده با یکی جایز و با دیگری، ممنوع باشد.

اما اگر قائل شدیم که حکمت کشف پیشانی به هنگام سجده، این است که پیشانی به خاک بچسبد، در این صورت، سجده با عمامه یا دستار، با سجده بر فرش تفاوتی نخواهد داشت. بدین ترتیب، علمای شیعه، بر همین اعتقادند. علامه حلی می‌گوید: «واجب است پیشانی را برای سجده، بر چیزی که سجده بر آن صحیح است آشکار کرد».^۱

روش سجود در عصر پیامبر ﷺ و پس از او

پیامبر اکرم ﷺ و اصحاب او مدت زیادی به سجده بر روی زمین ملتزم بودند و مدت چند سال شدت گرما، غبار خاک و رطوبت زمین را تحمل می‌کردند. در این دوره، هیچ کس بر لباس، پیچ عمامه و حتی بر حصیر، بوریا، فرش و سجاده سجده نمی‌کرد. نهایت کاری که نمازگزاران برای رفع آزار پیشانی انجام می‌دادند، این بود که با کف دستشان ریگها را

۱. منتهی المطلب، ج ۵، ص ۱۵۴.

سرد کرده ، آنگاه بر آن سجده می کردند تا جایی که برخی اصحاب ، نزد پیامبر ﷺ از شدت گرما شکایت کردند ، اما او به این گلایه ها وقتی نمی نهاد ؛ زیرا وظیفه نداشت از پیش خود ، تکلیف الهی را تغییر دهد تا اینکه به سجده بر حصیر رخصت داده شد و گشایشی اگر چه در چارچوبی محدود ، در امر مسلمانان پدید آمد. بنابراین ، در آن زمان مسلمانان تنها سه مرحله را پشت سر گذاشتند ، نه بیشتر :

- ۱ . مرحله ای که بر مسلمانان ، سجده بر زمین و انواع مختلف آن؛ مثل خاک ، شن ، سنگریزه و گل خشک واجب بود و در غیر این موارد ، هیچ رخصتی داده نشده بود .
- ۲ . مرحله ای که برای تسهیل امر مسلمانان و رفع حرج و مشقت ، سجده بر روئیدنیها ؛ از قبیل حصیر و بوریا ، رخصت داده شد .
- ۳ . مرحله ای که سجده بر لباس ، در صورت ضرورت و اضطرار ، مجاز شمرده شد .

مرحله نخست : سجده بر زمین

۱ . هر دو فرقه شیعه و سنی ، از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده اند که فرمود: «وزمین برای من محلّ سجده و پاک کننده قرار داده شده است»^۱ .

از حدیث فوق متبادر می شود که هر بخشی از زمین ، محلّ سجده و پاک کننده است که می توان بر آن سجده و تیمّم کرد . بنابراین ، زمین از دو حیث مورد نظر قرار می گیرد : یکی برای سجده و دیگری برای تیمّم .

این حدیث ، به روشنی ثابت می کند که اصل در سجده ، سجده بر زمین است ؛ خواه خاک باشد یا سنگ و ریگ . زمین است که باید به عنوان محلّ سجده انتخاب شود و بدون دلیل دیگری نمی توان از آن تعدی کرد .

اما تفسیر روایت فوق به اینکه : «عبادت خدا و سجده در مقابل او ، منحصر به مکان خاصی نیست ، بلکه به رغم اعتقاد غیر مسلمانان به اینکه عبادت ، تنها باید در کلیسا و

۱ . صحیح بخاری ، ج ۱ ، ص ۹۱ ، کتاب التیمم ، حدیث ۲ ؛ سنن بیهقی ، ج ۲ ، ص ۴۳۳ ، باب «أینما ادرکنک الصلاة فصل فهو مسجد» . این روایت را دیگر اصحاب سنن و صحاح نیز نقل کرده اند .

کنیسه انجام شود، اسلام معتقد است که همه زمین، مسجد مسلمانان است. آری، این تفسیر، مخالف تفسیری که ما کردیم، نیست؛ زیرا اگر زمین به طور مطلق، مسجد نماز گزار باشد، لازمه اش این است که همه جای آن برای عبادت صلاحیت داشته باشد. بنابراین، تفسیر فوق، به معنای التزامی تفسیری است که ما از حدیث ذکر کردیم و نشان دهنده این است که چرا واژه «طهوراً» یعنی پاک کننده، پس از واژه «مسجداً» آمده و هر دو کلمه، مفعول فعل «جعلت» قرار گرفته است. نتیجه اینکه زمین، موصوف به دو وصف شده است: یکی مسجد و دیگری طهور (یعنی پاک کننده). جصاص هم از حدیث، چنین فهمیده و گفته است: «همان زمینی را که خداوند مسجد و محلّ سجده قرار داده، همان را طهور و پاک قرار داده است.»^۱

دیگر شارحان حدیث نیز همین سخن را گفته اند؛ بنابراین، اگر تربت و سنگ، پاک کننده است، همان هم باید محلّ سجده نماز گزار قرار گیرد. پس انحصار طهور و مسجد به زمین در حدیث فوق، دلیل بر این است که جز زمین، بر چیز دیگری نمی توان سجده کرد؛ مگر اینکه دلیل دیگری قائم شود که مسجد و محلّ سجده، اعم از طهور و غیر طهور است.

سرد کردن ریگها برای سجده بر آن

۲. از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که گفت: با پیامبر ﷺ نماز ظهر می خواندم. از شدت گرما [و داغ شدن ریگها] مستی از ریگ را برمی داشتم و آن را کف دستم قرار می دادم، سپس آن را به کف دست دیگرم می ریختم تا سرد شود. آنگاه آنها را بر زمین قرار می دادم تا بر آن سجده کنم.^۲

بیهقی در ذیل این حدیث، توضیحی اضافه کرده است که شیخ گفته است: اگر سجده بر لباس متصل به نماز گزار جایز بود، سجده کردن بر آن آسان تر از سرد کردن ریگ با دست و قرار دادن آن بر زمین برای سجده بود [و اینکه مسلمانان این مشقت را متحمل

۱. احکام قرآن، ج ۲، ص ۳۸۹، چاپ بیروت

۲. مسند احمد، ج ۳، ص ۳۲۷ از حدیث جابر؛ سنن بیهقی، ج ۱، ص ۴۳۹، باب «ما روی فی التعجیل

بها فی شدة الحرّ»

می‌شده‌اند چون سجده بر لباس متصل به نمازگزار جایز نبوده است [۱].
ما می‌گوییم: اگر سجده بر مطلق لباس، خواه متصل به نمازگزار باشد یا جدای از او، جایز بود، سجده کردن بر آسانتر از سرد کردن ریگ بود و مسلمانان برای رهایی از گرمای ریگها دستمال با سجاده و امثال اینها رابه همراه خود می‌آوردند تا بر آن سجده کنند [و چون چنین کار آسانی را نمی‌کردند، معلوم می‌شده که سجده بر مطلق لباس، جایز نبوده است] .

۳. انس روایت کرده است که در گرمای شدیدی، بارسول خدا ﷺ بودیم، یکی از ما مقداری سنگریزه برداشت و در دستش نگه داشت و وقتی سرد شد، آن را بر زمین گذاشت و بر آن سجده کرد. ۲

۴. از خباب بن ارت نقل است که گفت: نزد رسول خدا ﷺ از شدت گرمایی که [به هنگام سجده] به پیشانی و کف دستان ما اصابت می‌کرد، شکایت کردیم، ولی او به شکایت ما توجهی نکرد. ۳

ابن اثیر در معنای حدیث فوق می‌گوید: «آنها چون نزد رسول خدا ﷺ از مشقتی که هنگام سجده بر زمین متحمل می‌شدند، شکایت کردند، حضرت به آنها اجازه نداد بر گوشه لباسشان سجده کنند». ۴

این روایت، گویای این حقیقت است که سنت رسول خدا ﷺ و مسلمانان در نماز، فقط سجده بر زمین بوده است. حتی پیامبر ﷺ به مسلمانان اجازه نمی‌دهد که از سجده بر زمین عدول کرده، بر پارچه متصل به خود یا جدای از خود سجده کنند پیامبر ﷺ با اینکه نسبت به مؤمنان رئوف بودند، بر آنان واجب کردند که پیشانی را [به هنگام سجده] بر زمین گذارند؛ هر چند که شدت گرمای زمین، آنها را آزار دهد.

۱. سنن بیهقی، ج ۲، ص ۱۰۵.

۲. السنن الکبری، ج ۲، ص ۱۰۶.

۳. سنن بیهقی، ج ۲، ص ۱۰۵، باب «الکشف عن الجبهة»

۴. النهاية، ج ۲، ص ۴۹۷، مادة «شکا»

احادیث متعددی که طی آنها پیامبر اکرم ﷺ دستور می‌دهد تا مسلمانان به هنگام سجده، صورت خود را بر خاک قرار دهند، گویای این مطلب است که مسلمانان به سجده بر زمین ملتزم بوده‌اند و پیامبر اکرم ﷺ اصرار داشته است که پیشانی به هنگام سجده، بر زمین قرار گیرد، نه بر پارچه؛ اعم از اینکه متصل به نمازگزار باشد، مثل پیچ عمامه یا جدای از او، مثل دستمال و سجاده.

امر به قراردادن صورت بر خاک

۵. از خالد جهنی نقل است که پیامبر ﷺ صهیب را در حال سجده دید، به گونه‌ای که گویا از خاک، پرهیز می‌کند. به او فرمود: ای صهیب صورتت را بر خاک قرار ده^۱.
 ظاهراً صهیب با سجده بر پارچه متصل یا جدای از خود و دست کم با سجده بر حصیر، بوریا و سنگهای صاف، از قرار دادن صورت بر خاک پرهیز می‌کرده است. در هر صورت، این حدیث شاهد بر برتری سجده بر خاک است؛ در مقابل سجده بر ریگ؛ زیرا قبلاً بیان شد که سجده بر ریگ، بر خلاف سجده بر غیر زمین جایز است.
۶. ام‌سلمه روایت کرده است: پیامبر اکرم ﷺ یکی از غلامانمان را که به او «افلح» می‌گفتند دید که هنگام سجده بر زمین می‌دمد؛ پس به او فرمود: ای افلح! صورتت را بر خاک قرار ده^۲.
۷. در روایت دیگری آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: ای رباح! صورتت را بر زمین قرار ده^۳.
۸. ابوصالح روایت کرده است: برام سلمه وارد شدم. درهمین حال برادرزاده‌اش نیز وارد شد. آنگاه دو رکعت نماز در خانه او خواند. هنگام سجده، به خاک می‌دمید تا کنار رود [ام‌سلمه گفت: برادرزاده! فوت نکن؛ زیرا من از رسول خدا ﷺ شنیدم که به غلامش به نام یسار [که به هنگام سجده، بر خاک می‌دمید] فرمود: صورتت را بر خاک بگذار^۴.

۱. متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۴۶۵، شماره ۱۹۸۱۰.

۲. همان، ج ۷، ص ۴۵۹، شماره ۱۹۷۷۶.

۳. همان، شماره ۱۹۷۷۷.

۴. همان، ص ۴۶۵، شماره ۱۹۸۱۰؛ مسند احمد، ج ۶، ص ۳۰۱.

امر به کنار زدن عمامه از پیشانی

۹. روایت شده است از پیامبر ﷺ در هنگام سجده، عمامه را از پیشانی‌اش کنار می‌زد.^۱
۱۰. از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرمود: «هرگاه یکی از شما خواست نماز گزارد، باید عمامه را از صورتش کنار بزند»؛ برای اینکه بر پیچ عمامه سجده نکند.^۲
۱۱. صالح بن حیوان سبائی روایت کرده است: رسول خدا ﷺ مردی را دید که عمامه‌ای بر پیشانی‌اش بسته و مشغول سجده است؛ پس عمامه‌اش را از پیشانی کنار زد.^۳
۱۲. از عیاض بن عبدالله قرشی نقل است: رسول خدا ﷺ مردی را دید که بر عمامه‌ای که دور سرش بسته شده، سجده می‌کند؛ پس با دستش اشاره کرد که عمامه‌ات را کنار بزن، و به پیشانی‌اش اشاره کرد.^۴
- این روایات نشان‌دهنده این است که مسلمانان در آن زمان، تکلیفی جز سجده بر زمین نداشته‌اند و رخصتی جز خنک کردن ریگها [برای سجده] نداشته‌اند و چنانچه تریخی وجود داشت، به خنک کردن ریگ اقدام نمی‌کردند و پیامبر ﷺ هم به گذاشتن صورت بر خاک و کنار زدن عمامه امر نمی‌کرد.

سیره پیامبر ﷺ در سجده

- ظهور بسیاری از روایات چنین می‌نماید که پیامبر ﷺ به سجده بر زمین اهتمام داشته است. اینک نمونه‌هایی از این روایات:
۱. وائل بن حجر می‌گوید: پیامبر را دیدم که هنگام سجده، پیشانی و بینی‌اش را بر زمین گذاشت.^۵

۱. الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۱۵۱.

۲. منتخب کنز العمال (که حاشیه در مسند چاپ شده است)، ج ۳، ص ۱۹۴.

۳. السنن الكبرى، ج ۲، ص ۱۰۵.

۴. همان.

۵. احکام القرآن، ج ۳، ص ۳۶؛ مسند احمد ص ۳۱۵ و ۳۱۷.

۲. ابن عباس می گوید: پیامبر ﷺ بر سنگ سجده می کرد.^۱

۳. از عایشه روایت شده است: هرگز پیامبر را ندیدم که چیزی را مانع صورتش قرار دهد.^۲

ابن حجر [ذیل این حدیث] می گوید: در این حدیث اشاره شده است که در سجده، اصل، تماس مستقیم پیشانی با زمین است؛ زیرا [عدم تماس مستقیم] منوط به عدم استطاعت و توانایی شده است.^۳

این حدیث گویای این حقیقت است که به هنگام ضرورت، سجده بر لباس و پارچه جایز است و در غیر این صورت؛ یعنی در حالی که نمازگزار مختار است، جایز نیست. از امامان علیهم السلام نیز این مطلب روایت شده است.

از عیینه نقل است که لباس نازک کتانی می خرد و به امام صادق علیه السلام عرض می کند: در روزی که هوا شدیداً گرم است، به مسجد می روم و چون دوست ندارم بر ریگها نماز بخوانم، لباسم را پهن می کنم و بر آن سجده می کنم [آیا صحیح است؟] امام می فرماید: بله اشکالی ندارد.^۴

از قاسم بن فضیل نقل است: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! [اگر] فردی به خاطر آزار گرم و سرما، بر آستینش سجده کند [اشکال دارد؟] امام علیه السلام فرمود: اشکالی ندارد.^۵

احادیثی وجود دارد که نشان می دهد پیامبر ﷺ در سرمای گزنده، برگل خشک و زمین سجده می کرده است و با عبایی نماز می خوانده تا با حایل قرار دادن آن به هنگام سجده، دست و پای او از گزند سرمای زمین محفوظ باشد، ولی اینکار را برای پیشانی نمی کرده اند. اینک احادیثی که در این زمینه وارد شده است:

۱. سنن بیهقی ج ۲، ص ۱۰۲.

۲. المصنف، ج ۱، ۳۹۷؛ کنز العمال، ج ۲، ص ۲۱۲.

۳. فتح الباری، ج ۱، ص ۴۱۴.

۴. وسائل الشیعه، ج ۳، باب چهارم از ابواب «ما یسجد علیه»، حدیث ۱.

۵. همان، حدیث ۲.

۱. از وائل بن حجر نقل شده است: رسول خدا ﷺ را دیدم که در صبح سردی با عبایی سفید نماز می خواند و با حایل قرار دادن عبا به وسیله دست و پا، آنها را از سرمای زمین مصون می دارد. ^۱

۲. از ثابت بن صامت نقل شده است: رسول خدا ﷺ در حالی که خود را به عبایی پیچیده بود، در قبیلۀ بنی عبدالاشهل نماز می خواند و [به هنگام سجده] دستش را بر عبایش می گذارد تا او را از سرمای ریگها حفظ کند. ^۲

۳. از ابو هریره نقل شده است: رسول خدا ﷺ در یک روز بارانی سجده کرد، به طوری که من اثر آن را در پیشانی و نوک بینی او می دیدم. ^۳

این روایات و نظایر آن، نشان دهنده کیفیت سجده پیامبر ﷺ در یک روز بارانی و سرد است و اینکه او گاهی بر گل سجده می کرده و صورتش را با چیزی نمی پوشانده، و گاهی دستانش را می پوشانده، بدون اینکه به صورتش کاری داشته باشد. دقت راویان حدیث در بیان توجه پیامبر ﷺ در حفظ دستان خود از سرما و گل به واسطه عبا و یاد نکردن از پیشانی، نشان دهنده این است که او صورت خورد را با چیزی نمی پوشانده است؛ و گرنه چنانچه صورت خود را نیز مانند دستان محفوظ می داشت، از دید راویان مستور نمی ماند و آن را ذکر می کردند.

سیره صحابه و تابعین در سجده

از روایات متعددی آشکار می شود که سیره مجموعه ای از اصحاب پیامبر ﷺ سجده کردن بر زمین بوده است.

۱. از ابی امیه نقل است که ابوبکر خود را به زمین رسانده، بر آن سجده می کرد و نماز می گزارد. ^۴

۱. السنن الکبری، ج ۲، ص ۱۰۶.

۲. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۲۹.

۳. مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۱۲۶.

۴. المصنّف، ج ۱، ص ۳۹۷.

۲. از ابو عبیده نقل است که ابن مسعود، جز بر زمین سجده نمی‌کرد یا نماز نمی‌گزارد.^۱

۳. مسروق بن اجدع که از اصحاب ابن مسعود بوده، سجده بر غیر زمین را جایز نمی‌دانسته است. او حتی در کشتی با خود چیزی می‌آورده و بر آن سجده می‌کرده است.^۲

۴. ابراهیم نخعی کوفی که فقیه و یکی از تابعین بوده است، بر بردی می‌ایستاده و بر زمین سجده می‌کرده است. راوی می‌گوید: «گفتیم بردی چیست؟ گفت بردی حصیر است».^۳

در نقلی دیگر آمده است: او بر حصیر نماز می‌گزارد و بر زمین سجده می‌کرد.

۵. عمر بن عبدالعزیز به حصیر اکتفا نمی‌کرد. بلکه مقداری خاک بر روی آن می‌گذاشته و بر آن سجده می‌کرده است.^۴

۶. عروه بن زبیر اکراه داشته است بر چیزی غیر از زمین نماز گزارد.^۵

۷. علی بن عبدالله بن عباس به «زرین» نامه‌ای نوشت که تخته‌سنگی از سنگهای کوه مروه برای او بفرستد تا بر او سجده کند.^۶

نتیجه اینکه تذلل و خضوع در مقابل عظمت خداوند سبحان، تنها با قرار دادن پیشانی بر خاک و گل خشک و گفتن این جمله با زبان حال که «خاک کجا و رب الارباب کجا» و اینکه او با خاک یکسان است، به بهترین وجه تحقق می‌یابد و چنین وضعی، با سجده بر ساخته‌های بشری حاصل نمی‌شود. علامه امینی در این زمینه سخن گرانقدری دارد که متن آن چنین است:

۱. همان، ص ۳۶۷.

۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۵۳؛ عبدالرزاق، المصنف، ج ۲، ص ۵۸۳.

۳. عبدالرزاق، المصنف، ج ۱، ص ۳۹۷.

۴. فتح الباری، ج ۱، ص ۴۱۰.

۵. همان.

۶. ازرقی، اخبار مکه.

برای سجده که چیزی جز اظهار کوچکی و خواری در مقابل عظمت مولا نیست ، مناسبت تر این است که بخشی از زمین به عنوان محل سجده انتخاب شده ، نمازگزار صورت خود را بر آن قرار دهد و بینی خود را به آن بمالد تا سجده کننده طینت پستی را که از آن آفریده شده و به آن برمی گردد و دوباره از آن بازگشت داده می شود ، یاد آور شود و به این وسیله ، پند گیرد و دائم به یاد بی ارزشی و پستی اصلش باشد و برایش خضوعی روحی ، خواری ای در باطن ، پستی ای در نفس ، انگیزه ای در اعضای بدن برای عبودیت و عقب نشینی از ترفع و انانیت حاصل شود و به این بصیرت برسد که موجودی که از خاک آفریده شده است ، شایسته چیزی جز خواری و بیچارگی نیست .

بدیهی است که چنین اصراری ، هرگز در پارچه ای بافته شده از پشم ، دیبا و حریر و امثال آن که از وسایل راحتی و رفاه انسان است و موجب می شود انسان در خود ، احساس بزرگی ، حرمت ، کرامت و مقام کند ، دچار تکبر ، عصیان و استعلا شود و خضوع و خشوع از وجودش رخت بریندد ، یافت نمی شود .^۱

مرحله دوم : جواز سجده بر حصیر

احادیثی که از صحاح و مسانید و دیگر منابع حدیثی نقل کردیم ، حاکی از آن بود که پیامبر ﷺ و اصحاب او به سجده بر زمین ، با انواعی که دارد ، ملتزم بوده اند و هیچ گاه از آن عدول نمی کرده اند ؛ هر چند گرمی هوا شدید و التزام به سجده بر زمین ، دشوار باشد. اما نصوصی وجود دارد که نشان می دهد پیامبر ﷺ (به واسطه وحیی که به او شده) سجده بر رویدنی از زمین را مجاز شمرده است . پیداست که با این تریخص مسئله سجده برای مسلمانان آسان شده ، بار تکلیف و مشقت در گرما و سرما و به هنگام خیس بودن زمین ، برداشته می شود . اینک توجه خوانندگان را به این نصوص جلب می کنیم :

۱ . از انس بن مالک نقل شده است: رسول خدا ﷺ بر حصیر نماز می خوانده است.^۲

۱ . سیرتنا و سنتنا ، ص ۱۲۵ و ۱۲۶ .

۲ . ابونعیم اصفهانی ، اخبار اصفهان ، ج ۲ ، ص ۱۴۱ .

۲. از ابن عباس نقل شده است: رسول خدا ﷺ (و در تعبیری دیگر، پیامبر ﷺ) بر حصیر نماز می خوانده است.^۱
۳. از عایشه نقل شده است: پیامبر ﷺ بر حصیر نماز می خوانده است.^۲
۴. از ام سلمه نقل شده است: رسول خدا ﷺ بر حصیر نماز می خوانده است.^۳
۵. از میمونه نقل شده است: رسول خدا ﷺ بر حصیر نماز می خوانده و بر آن سجده می کرده است.^۴
۶. از لمّ سلیم نقل شده است: رسول خدا ﷺ بر حصیر نماز می خوانده است.^۵
۷. از عبدالله بن عمر نقل شده است: رسول خدا ﷺ بر حصیر نماز می خوانده است.^۶
- [در سفری که به مکه داشتم] یکی از مأموران مسجد الحرام که تقید من به سجده بر حصیر را دید، به من اعتراض کرد و از علت این کار جويا شد. به او گفتم [زیرا] پیامبر ﷺ بر حصیر نماز می خوانده است. گفت: نماز خواندن پیامبر ﷺ بر حصیر و بویا مستلزم سجده بر آنها نیست؛ زیرا ممکن است بر حصیر نماز می خوانده اما بر چیز دیگری سجده می کرده است. به او گفتم: ذوق سلیم، بین نماز خواندن و سجده کردن فرق نمی گذارد؛ زیرا این سخن که بر حصیر نماز می خوانده، به این معناست که او در تمامی حالت های نماز، از قبیل قیام و رکوع و سجود، بر حصیر نماز می خوانده، نه اینکه پاها یا زانو ها یا دستان خود را بر روی حصیر، اما پیشانی را بر چیز دیگری قرار می داده است.
- علاوه بر این، در دسته ای از روایات تصریح شده که حضرت بر حصیر سجده می کرده است:

۱. مسند احمد، ج ۱، ص ۱۶۹، ۳۰۳، ۳۰۹، ۳۵۸.

۲. همان، ج ۶، ص ۱۷۹. در حدیث این جمله وجود دارد که پیامبر ﷺ در حالی که در مسجد بود، به جاریه اش فرمود: حصیر را برای من بیاور.

۳. همان، ص ۳۰۲.

۴. مسند حنبل، ج ۶، ص ۳۳۱ - ۳۳۵.

۵. همان، ص ۳۷۷.

۶. همان، ج ۲، ص ۹۲ - ۹۸.

۱. ابو سعید خدری روایت کرده است: بر پیامبر ﷺ وارد می شود و می بیند بر حصیری نماز می خواند و بر آن سجده می کند.^۱
 ۲. از انس بن مالک نقل شده است: رسول خدا ﷺ بر حصیر نماز می خوانده و بر آن سجده می کرده است.^۲
- در پرتو این روایات، روشن می شود که سجده بر زمین و خاک و بعضی از رویدنیها، مثل حصیری که از چوب شاخه درخت خرما ساخته شده جایز است.

مرحله سوم: سجده بر لباس (به هنگام داشتن عذر)

قبلاً درباره مرحله اول و دوم بحث کردیم. اگر مرحله سوم باشد، عبارت است از جواز سجده بر غیر زمین و غیر رویدنیهای از آن به هنگام ضرورت و داشتن عذر. بدیهی است که ترخیص سجده بر غیر زمین، پس از مرحله قبل بوده است؛ زیرا قبلاً بیان شد که پیامبر ﷺ به شکایت اصحاب از گرمای شدید، وقتی ننهاد و او اصحابش با تحمل گرما و آزار آن، همواره بر زمین سجده می کرده اند. اما خداوند، عزّ اسمه، برای رفع حرج، سجده بر لباس را به هنگام ضرورت و داشتن عذر، اجازه می دهد. اینک روایاتی که در این زمینه وارد شده است:

۱. از انس بن مالک نقل شده است: هنگامی که با پیامبر ﷺ نماز می خواندیم و یکی از ما قادر به قراردادن پیشانی بر زمین نبود لباسش را پهن کرده، آنگاه بر آن سجده می کرد.
۲. همین حدیث به شکل دیگری هم روایت شده است: با پیامبر ﷺ نماز می خواندیم که یکی از ما از شدت گرما، بخشی از لباسش را بر زمین پهن کرد؛ پس چنانچه یکی از ما قادر نبود که پیشانی اش را بر زمین گذارد، لباسش را پهن می کرد.

۱. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۲، دارالفکر بیروت.
 ۲. صحیح ابن خزیمه، ج ۲، ص ۱۰۵، المکتب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۲ هـ؛ المعجم الوسیط، ج ۸، ص ۳۴۸؛ المعجم الکبیر، ج ۱۲، ص ۲۹۲.

حدیث فوق ، چنین ہم نقل شده است : هنگامی که با پیامبر ﷺ نماز می خواندیم ، یکی از ما از شدت گرما ، بخشی از لباسش را در مکان سجده گذاشت^۱ .
این روایت را که اصحاب صحاح ، سنن و مسانید نقل کرده اند ، از حقیقت برخی روایات که ظهور در جواز سجده بر لباس در حال اختیار نیز دارد ، پرده برمی دارد ؛ زیرا روایت انس تصریح می کند که جواز سجده بر لباس ، مختص حالت ضرورت است . پس این روایت ، قرینه می شود بر اینکه مراد از این روایات مطلق چیست ؟
اینک ذکر چند روایت در این زمینه :

۱ . عبدالله بن محرز از ابوهریره نقل می کند: رسول خدا ﷺ برپیچ عمامه اش سجده می کرد .^۲

باتوجه به اینکه این روایت باروایاتی که قبلاً نقل کردیم و طی آن ، پیامبر ﷺ از سجده بر پیچ عمامه نهی می فرمود ، معارض است ، بنابراین باید آن را برحالت ضرورت و داشتن عذر حمل کرد . بیهقی در سننش با تصریح به این مطالب گفته است : شیخ گفته است: اما روایتی که در این زمینه از پیامبر ﷺ در باره سجده بر پیچ عمامه نقل شده است ، چیزی را ثابت نمی کند و روایت صحیح ، روایت حسن بصری است که از اصحاب پیامبر ﷺ حکایت کرده است .^۳

از ابن راشد روایت شده است : مکحول را دیدم که بر عمامه اش سجده می کند. گفتم چرا بر آن سجده می کنی ؟ گفت : تا به این وسیله مانع رسیدن سرما به دندانهایم بشوم.^۴
۲ . از انس روایت شده است : با پیامبر ﷺ نماز می خواندیم که یکی از ما بر لباسش سجده کرد .^۵

۱ . صحیح بخاری ، ج ۱ ، ص ۱۰۱ ؛ صحیح مسلم ، ج ۲ ، ص ۱۰۹ ؛ مسند احمد ، ج ۱ ، ص ۱۰۰ ؛ السنن الکبری ، ج ۲ ، ص ۱۰۶ .
۲ . کنز العمال ، ج ۸ ، ص ۱۳۰ ، شماره ۲۲۲۳۸ .
۳ . السنن الکبری ، ج ۲ ، ص ۱۰۶ .
۴ . عبدالرزاق ، المصنّف ، ج ۱ ، ص ۴۰۰ ؛ سیرتنا و سنّتنا ، السجدة علی التربة ، ص ۹۳ .
۵ . السنن الکبری ، ج ۲ ، ص ۱۰۶ ، باب « من بسط ثوباً فسجدة علیه » .

این روایت ، بر حالت وجود عذر حمل می شود ؛ به قرینه روایاتی که ما از پیامبر ﷺ نقل کردیم و بخاری از او نقل کرده است . در روایت بخاری آمده است: در گرمای شدید، با پیامبر ﷺ نماز می خواندیم ، چون یکی از ما نتوانست پیشانی اش را بر زمین بگذارد ، لباسش را پهن کرده بر آن سجده کرد .^۱

روایت نسائی نیز آن را تأیید می کند که : وقتی ظهرها پشت سر پیامبر ﷺ نماز می خواندیم ، برای محفوظ بودن از گرما ، بر لباسهایمان سجده می کردیم .^۲

روایاتی وجود دارد که دلالتشان تام نیست ؛ زیرا فقط دلالت دارد که پیامبر ﷺ بر پوست نماز می خوانده است ؛ اما بر اینکه آیا بر آن سجده هم می کرده یا نه ، دلالتی ندارد.

۳. از مغیره بن شعبه نقل شده است : پیامبر ﷺ بر حصیر و پوست دباغی نماز می خوانده است .^۳

این روایت ، علاوه بر اینکه به واسطه وجود یونس بن حرث در سلسله سندش ، ضعیف است ، ظهور در سجده پیامبر بر پوست ندارد و ملازمه ای هم بین نماز خواندن بر پوست و سجده بر آن وجود ندارد ؛ مخصوصاً اگر پوست، کوچک باشد؛ چه بسا پیامبر ﷺ بر زمین یا گیاهی روییده شده از آن سجده کرده باشد و بر فرض که بین نماز خواندن بر چیزی و سجده کردن بر آن ، ملازمه وجود داشته باشد ، این روایت و امثال آن نمی تواند در مقابل روایاتی که در دو مرحله گذشته نقل کردیم ، مقاومت کند .

نتیجه مباحث گذشته

کسی که در روایات یاد شده تأمل کند، به روشنی درمی یابد که مسئله سجده در نماز، دویا سه مرحله را پشت سر گذاشته است : در مرحله نخست ، سجده بر زمین واجب بوده و مسلمانان اجازه نداشته اند بر غیر زمین سجده کنند . در مرحله دوم ، اجازه می یابند که بر

۱. صحیح بخاری ، ج ۲ ، ص ۶۴ ، کتاب الصلاة ، باب « بسط الثوب فی الصلاة للسجود » .

۲. ابن اثیر ، جامع الاصول ، ج ۵ ، ص ۴۶۸ ، شماره ۳۶۶۰ .

۳. سنن أبی داود ، باب ما جاء فی الصلاة علی الخمرة ، شماره ۳۳۱ .

رویدنیها هم سجده کنند . غیر از این دو مرحله ، مرحله دیگری برای سجده ، در نماز نبوده ، جز این مرحله که به مسلمانان اجازه داده می شود تا در صورت ضرورت و داشتن عذر ، بر لباس سجده کنند. بنابراین، روایاتی که ظهور در جواز سجده بر پوست و امثال آن دارد، باید یا برحالت ضرورت حمل شود و یا اینکه بگوییم این دسته از روایات، اساساً بر سجده بر پوست دلالت ندارد ، بلکه نهایت دلالتشان بر نماز آنهاست .

از اینجامعلوم می شود که آنچه شیعه به آن ملتزمند؛ یعنی سجده بر زمین یا رویدنیهای از زمین ، عین سنت نبوی است و به اندازه یک بند انگشت هم از آن منحرف نشده است و ما دعوت می کنیم که برای دریافت حقیقت و گذر از بدعت ، کمی تأمل شود .

بنابراین ، سجده بر فرش ، سجاده ، گلیمهای بافته شده از پشم ، کرک، حریر و امثال اینها و همچنین سجده بر لباس متصل به نمازگزار ، هرگز دلیل توجیه کننده ای نداشته است و هیچ مستندی برای جواز آن در سنت وجود ندارد .

این شما و این صحاح شش گانه اهل سنت که عهده دار بیان احکام دین و بویژه احکام نماز ، یعنی عمود دین است ، اما حتی یک حدیث و کلمه ای که اشاره به جواز سجده بر این موارد باشد ، در آنها یافت نمی شود .

بنابراین، قول به جواز سجده بر فرش و سجاده و التزام به آن و فرش کردن مساجد به آنها برای سجده بر آنها ، آن گونه که متداول است ، بدعت محض و امری جدید و غیر مشروع است و با سنت خدا و سنت رسول او ﷺ مخالفت دارد : « وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلاً »^۱ .

فلسفه مَهر

در اینجا سؤالی باقی می ماند که برادران اهل سنت، بسیاری اوقات آن را مطرح می کنند و آن اینکه چرا شیعیان در سفر و غیر سفر ، به هنگام نماز ، در مقابل خود مَهر می گذارند و بر آن سجده می کنند ؟ و چه بسا انسانهای ساده توهم کنند (همچنان که قبلاً گفتیم) شیعیان برای مَهر سجده می کنند ، نه بر آن ؛ یعنی سنگ و خاک را عبادت می کنند ! این

۱ . سیرتنا و سنتنا ، ص ۱۳۳ و ۱۳۴ .

توهم از آنجا ناشی می‌شود که این بیچارگان، بین سجده بر مَهر و سجده برای مَهر فرق نمی‌گذارند.

به هر حال پاسخ این سؤال روشن است؛ زیرا توجه و اهتمام شیعه به این است که آنچه بر آن سجده می‌کنند، خاک پاک باشد، فرقی نمی‌کند که آن خاک از چه زمین و جایی باشد. این التزام شیعیان، شبیه التزام آنان به طهارت بدن، لباس و محلّ نمازگزار است، اما التزام و تقید آنان به مَهر، از این لحاظ است که اطمینان به طهارت زمینی که انسان بر آن وارد می‌شود و می‌خواهد در آن نماز بخواند، در هر جایی حاصل نمی‌شود.

چگونه این اطمینان حاصل شود، درحالی که قشرهای مختلف مردم، اعم از مسلمان و غیر مسلمان و کسانی که مقید به طهارت هستند و غیر اینها، در این اماکن رفت و آمد می‌کنند؟! بدست آوردن چنین اطمینانی، موجب می‌شود مسلمانان در نمازهایشان با سختیهای زیادی رو به رو شوند.

بنابراین، چاره‌ای نیست جز اینکه نمازگزار، تربتی را که به طهارت آن اطمینان دارد، برای خود انتخاب کند و به هنگام نماز، بر آن سجده کند تا مبادا بر پلیدی، نجاست و کثافات که هرگز موجب تقرّب انسان به خدا نمی‌شود و سنت پیامبر ﷺ آن را جایز نمی‌داند و عقل سلیم نیز آن را نمی‌پذیرد، سجده کند بویژه که به طهارت نمازگزار و لباس او و نهی از نماز خواندن در اماکنی از قبیل محلّ زباله، کشتارگاه، حمام، وسط راه و محلّ زندگی شتران، تأکید فراوان، بلکه به تطهیر مساجد و خوشبو کردن آنها امر شده است.^۱

این قانون نزد گذشتگان صالح ما ثابت و پایرجا بوده است؛ اگرچه تاریخ از نقل آن غفلت کرده است. در این باره روایت شده است: تابعی فقیه، مسروق بن اجدع، متوفی به سال ۶۲ هجری، در سفرهایش خشتی را از مدینه همراه خود می‌آورده و بر آن سجده می‌کرده است. این روایت را ابن ابی شیبّه نیز در کتابش المصنف در باب «من کان حمل فی السفینة شیئاً یسجد علیه» و با دو سند نقل کرده است که: مسروق هرگاه سفر می‌کرد،

۱. همان، ص ۱۵۸ و ۱۵۹.

با خود در کشتی، خستی می آورد و بر آن سجده می کرد.^۱

تا اینجا روشن شد که التزام و تقید شیعه به مذهب عنوان محلّ سجده، تنهابه این علّت است که کار نمازگزار در سفر و غیرسفر آسان شود تا مبادا زمین یا حصیر پاکی نیابد و مسئله نمازبرایش دشوار شود. مثل اینکه مسلمانی مقداری خاک پاک ذخیره کند تا [به وقت نیاز] بر آن تیمّم کند.

اما اینکه شیعیان، ملتزم و مقیدند که ترجیحاً بر تربت حضرت امام حسین علیه السلام سجده کنند، به خاطر این هدف عالی است که نمازگزار به هنگام قراردادادن پیشانی بر این تربت، به یادفداکاریهای امام حسین علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام و اصحاب اودر راه خدا و اسلام و مبارزه با ظلم و فساد بیفتد. و از آنجا که سجده مهم ترین رکن نماز است و در حدیث آمده است: «نزدیکترین حالت بنده به خدا، حال سجده اوست»، بنابراین، مناسب است که مسلمانان با قراردادادن پیشانی بر این تربت پاک، به یاد کسانی باشند که بدنهای خود را در راه حق قربانی کردند و ارواحشان به ملأ اعلی پیوست؛ تا به این وسیله، حالت خشوع و خضوعی به آنها دست دهد و با پستی و بلندی همراه شده، این دنیای فریبنده و ناپایدار را حقیر شمارد.

شاید مراد از حدیثی که طبق آن، سجده بر تربت امام حسین علیه السلام حجابهای هفت گانه را می درد، همین باشد. بنابراین، معلوم می شود که در سجده، سرّ صعود از تراب به سوی ربّ الارباب است.^۲

علامه امینی می فرماید: ما قطعه هایی نورانی از تربت کربلا را برمی داریم و بر آن سجده می کنیم. همچنان که فقیه سلف، مسروق بن اجدع، خستی از تربت مدینه منوره را با خود حمل کرده، بر آن سجده می کرد. در حالی که این مرد، شاگرد خلافت راشد و فقیه مدینه منوره و آموزگار سنتی است که در آن شهر رایج بوده است و حاشا که در این زمینه بدعتی گذاشته باشد. بنابراین، در این کار، کوچک ترین تأویل و تفسیری خلاف

۱. ابوبکر بن ابی شیبّه، المصنّف، ج ۲، ص ۱۷۲، دارالفکر، ۱۴۰۹ هـ.

۲. الارض و التربة الحسينيه، ص ۲۴.

ندای قرآن کریم با سنت الهی و سنت رسول خدا ﷺ و یا خروج از حکم عقل وجود ندارد .

البته از نظر شیعه، سجده بر تربت کربلا اجباری نیست و شیعیان معتقد نیستند که شرع و دین، یا مذهب ، آن را واجب کرده است و هیچ یک از شیعیان، از آغاز تا به حال ، بر خلاف تصور جاهلان ، بین آن و دیگر خاکها ، از نظر جواز سجده بر آن ، فرقی نگذاشته است .

ترجیح سجده بر تربت کربلا چیزی جز استحسان عقلی، یعنی انتخاب چیزی برای سجده که عقل و منطق و خرد ورزی ، آن را برتر می‌داند، چیز دیگری نیست؛ همچنان که بسیاری از مردم مذاهب مختلف ، در سفرهایشان چیزهایی جز تربت کربلا، که سجده بر آنها صحیح است ، مانند حصیر پاک و تمیزی که به پاکی آن ایمان دارند و یا سجاده‌ای پاک ، با خود می‌آورند و در نمازهایشان بر آنها سجده می‌کنند .^۱

آنچه گذشت ، بحثی اجمالی از این مسئله فقهی بود و تفصیل آن را به محل خودش موکول می‌کنیم . البته آنچه دانشمندان نامدار و بزرگ عصر در این زمینه نوشته‌اند ما را از آن بی‌نیاز می‌کند که اینک به ذکر مقداری از آنها بسنده می‌کنیم :

۱ . مصلح کبیر ، محمد حسین کاشف الغطاء (۱۲۹۵-۱۳۷۳هـ) در کتاب : الأرض و التربة الحسينية .

۲ . علامه ، شیخ عبدالحسین امینی ، مؤلف الغدير (۱۳۲۰-۱۳۹۰هـ) که در انتهای کتابش به نام سیرتنا و سنتنا ، رساله‌ای در این موضوع نگاشته است .

۳ . کتاب السجود علی الأرض ، اثر علامه شیخ علی احمدی که خیلی خوب تحقیق و تتبع کرده است .

بنابراین ، آنچه ما در این مسئله گفتیم ، از انوار علوم آنان اقتباس شده است که خدا گذشتگان آنها را رحمت و بازماندگان آنان را حفظ فرماید .

۱ . سیرتنا و سنتنا ، ص ۱۱۶-۱۶۷ ، چاپ نجف اشرف

خاتمه

الف) تحمیل عقیده و فقه خاص بر زائران

از عجایب روزگار که تاوقتی زندگی می‌کنی، روزگار شگفتیهایی رابه تونشان می‌دهد، این است که در حرمین شریفین، آزادیها گرفته شده، برزائران، عقیده و فقه خاصی تحمیل می‌شود؛ در حالی که سیره و روش مسلمانان در طی قرون متمادی چنین بوده است که زائران در حرمین شریفین، نسبت به عقیده و عملشان آزادی داشته‌اند.

توسل و تبرک به پیامبر ﷺ و امامان اهل بیت علیهم‌السلام در طی قرون گذشته متداول بوده و هیچ منعی در این زمینه وجود نداشته است. در این باره روایات صحیح و مسندی وارد شده و همواره حرمین شریفین، محل امنی برای زائران بوده است؛ همچنان که مشیت خداوند سبحان هم بر این قرار دارد. خداوند می‌فرماید: «فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»^۱؛ [در آن، نشانه‌های روشن (از جمله) مقام ابراهیم است و هرکس داخل آن شود، در امان خواهد بود] و در مقام بیان دعای حضرت ابراهیم می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا»^۲؛ [و هنگامی که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا این سرزمین را شهر امنی قرار ده].

اما امروزه این سرزمین، از این نظر خلاف آنچه حضرت ابراهیم علیهم‌السلام دعا کرده، شده است؛ چرا که زائر شیعی که مطابق فقه امامان اهل بیت علیهم‌السلام عمل می‌کند، مجاز نیست به روش خود رفتار کند و از اعتقادات خود سخن بگوید. برای نمونه او باید بر فرش سجده کند و برای او سجده بر زمین و خاک ممنوع است.

ما در حدّ خود، به دولت خردمدار حاکم بر سرزمینهای وحی پیشنهاد می‌کنیم به همهّ حاجیان، آزادیهای مشروعشان را بدهد تا با آزادی، مطابق روش خود عمل کنند؛ چراکه این کار موجب تحکیم پیوند وحدت و تعاون میان گروههای مختلف مسلمانان می‌شود.

۱. آل عمران، ۹۷ / .

۲. بقره / ۱۲۶ .

ب) تبدیل سنت به بدعت

قبلاً آگاه شدیم که سجده بر زمین یا حصیر و بویا، و امثال آن، سنت پیامبر ﷺ و اصحاب او، و سجده بر فرش و سجاده و امثال آن، بدعت بوده است و خداوند آن را معتبر نمی‌داند، اما متأسفانه امروزه سنت به بدعت و بدعت به سنت تبدیل شده است؛ به طوری که اگر کسی در مساجد و در انظار مردم به سنت عمل کرده، بر خاک و سنگ سجده کند، بدعت گذار شمرده می‌شود. البته مسئله سجده بر خاک و سنگ، تنها مسئله‌ای نیست که عمل به آن، بدعت محسوب شود، بلکه در فقه مذاهب چهارگانه، نظایر دیگری هم از این قبیل به چشم می‌خورد که موارد زیر از آن جمله است:

۱. شیخ محمد بن عبدالرحمن دمشقی گفته است: سنت پیامبر ﷺ درباره قبر، صاف و مسطح کردن آن بوده است و به احتمال قریب به یقین، شافعی هم آن را اولی می‌داند. ابوحنیفه و مالک گفته‌اند: بلندتر کردن قبر از روی زمین، بهتر است؛ زیرا صاف و مسطح کردن آن، شعار شیعه شده است.^۱

رافعی گفته است: پیامبر ﷺ قبر فرزندش، ابراهیم را تسطیح کرد. از قاسم بن محمد نقل شده است که قبر پیامبر ﷺ، ابوبکر و عمر را صاف و مسطح دیدم.

ابن ابی‌هریره گفته است: امروزه بهتر است به جای تسطیح قبور، آنها را بلندتر از روی زمین قرار دهیم؛ زیرا تسطیح، شعار رافضیها شده است، بنابراین، مخالفت کردن با آنها و حفظ میت و خانواده او از اتهام بدعت بدتر است.

نظیر این سخن نیز از او حکایت شده و آن اینکه: چنانچه در موردی جهریه «بسمله» شعار شیعه شده باشد، بهتر است برای مخالفت با آنان، آهسته ادا شود. وی برای این موضوع گیری، به حدیثی از پیامبر ﷺ استدلال می‌کند که «هرگاه پیامبر ﷺ جنازه‌ای می‌دید، می‌ایستاد، تا اینکه به او عرض شد: یهودیان چنین می‌کنند؛ پس از آن، این کار را برای مخالفت با آنها ترک کرد.

۱. دمشقی، رحمة الامة فی اختلاف الائمة، ج ۱، ص ۸۸؛ علامه امینی، الغدير، ج ۱۰، ص ۲۰۹.

این دلیل ، همان دلیلی است که او به آن در کتابش پاسخ داده و شیخ ابو محمد به آن گراییده و قاضی روبانی از او پیروی کرده است ، اما جمهور بر آنند که حق ، همان جهر به «بسمله» است . آنها گفته‌اند اگر آنچه را در سنت ثابت شده ، به خاطر اجماع و اتفاق برخی بدعت گذاران بر آن، ترک کنیم ، موجب می‌شود که سنتهای بسیاری را ترک کنیم . در حالی که اگر ما یک عمل را دائماً انجام دهیم ، در این صورت ، دیگر شعار بدعت گذاران نخواهد بود .^۱

۲ . امام فخر رازی گفته است: بیهقی از ابوهریره نقل کرده است که رسول خدا ﷺ در نماز ، جمله «بسم الله الرحمن الرحيم» را بلند می‌خواند. علی رضی الله عنه نیز همین کار را می‌کرد و این با روایات متواتری ثابت شده است . و علی بن ابی طالب رضی الله عنه می‌گفته است : «ای کسی که ذکر او شرف ذاکران است» . با توجه به این مطالب ، چگونه شایسته انسان عاقل است که در اخفای چنین چیزی سعی داشته باشد . شیعه معتقد است : سنت ، جهر به «بسم الله الرحمن الرحيم» است ؛ اعم از اینکه در نمازهای جهریه باشد یا در نمازهای اخفاتیه [مثل نماز ظهر و عصر] اما جمهور فقها [ی اهل سنت] با آنان مخالفند... علی رضی الله عنه در جهر به «بسم الله الرحمن الرحيم» مبالغه می‌کرد. از این رو وقتی حکومت به بنی امیه رسید، آنها برای نابود کردن آثار علی رضی الله عنه در جلوگیری از جهر به «بسم الله الرحمن الرحيم» مبالغه کردند .^۲

۳ . زمخشری در تفسیر آیه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ» می‌گوید: اگر گفته شود نظر شما درباره صلوات بر غیر پیامبر ﷺ چیست ؟ در پاسخ می‌گوییم : قیاس ، حکم می‌کند که بگوییم صلوات بر هر مؤمنی جایز است ، زیرا خداوند فرموده است : «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ» ؛ [او کسی است که بر شما صلوات می‌فرستد] و همچنین فرموده است : « وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ » ؛ [بر آنها صلوات فرست که صلوات تو مایه آرامش آنهاست] و همچنین پیامبر ﷺ فرموده است : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى آلِ أَبِي

۱ . العزیز ، شرح الوجیز ، ج ۲ ، ص ۴۵۳ .

۲ . فخرالدین رازی ، مفاتیح الغیب ، ج ۱ ، ص ۲۰۵ و ۲۰۶ .

أوفی»؛ [خدایا صلوات فرست بر خاندان ابی اوفی]، اما علما در این مسئله تفصیلی دارند و آن اینکه: اگر صلوات برای متابعت [از قرآن و پیامبر] باشد، مثل اینکه می‌گویی: «صَلَّى اللهُ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ»، اشکالی ندارد، اما اگر برای فرد خاصی صلوات فرستاده شود چنان که امروزه چنین است، مکروه است؛ زیرا این گونه صلوات فرستادن، شعار شیعه به هنگام ذکر نام رسول خدا ﷺ شده و موجب متهم شدن انسان به رخصت می‌شود.^۱

۴. در فتح الباری آمده است: علما پس از اتفاقشان بر جواز سلام و صلوات بر زندگان، بر جواز سلام و صلوات بر غیر پیامبران اختلاف کرده‌اند. عده‌ای گفته‌اند که مطلقاً مشروع است، گروهی دیگر گفته‌اند برای متابعت اشکالی ندارد و نباید به فرد خاصی اختصاص یابد؛ زیرا شعار رافضیها شده است. این را نووی از شیخ ابی محمد جوینی نقل کرده است.^۲

معنای این سخن آن است که وی توجیهی برای ترک آنچه اسلام آن را تشریح کرده، نیافته است؛ به جز عمل رافضیها به سنت اسلام. اگر این توجیه صحیح باشد، باید همه فرایض و سنتهایی که رافضیها به آن عمل می‌کنند، ترک شود؛ «قُلْ كُلُّ مَتْرَبِّصٍ فَتَرَبِّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى».^۳

۱. الکشاف، ج ۲، ص ۵۴۹.

۲. فتح الباری، ج ۱۱، ص ۱۴.

۳. طه / ۱۳۵.